

نویسنده
یا نگارگری

■ درباره کتاب فصل توت‌های سفید

علی اصغر عزتی‌پاک

نویسنده



من رمانی را خواندم که خودم را مخاطب این رمان دیده‌ام. از فضای روزگار زیاد کتاب می‌خوانم. همیشه سعی می‌کنم فکر، اندیشه و سلیقه‌ام را ارتقا دهم. این کتاب را دیدم که برای من نوشته شده؛ چون نویسنده پشت این کتاب قرار دارد. شأن و جایگاه نویسنده به نحوی است که هر وقت به خلوت می‌رود، در اتاق، در خانه و غارش فکر می‌کند، با خودش کلنجار می‌رود، دانشش را به روز می‌کند و بالاخره به نتیجه می‌رسد. یک چشمش به درونش است و یک چشمش به جامعه و بعد از مدتی برای ما ارمغانی می‌آورد. معمولاً چنین آدمی طرفه و چیز تازه‌ای می‌آورد. نویسنده‌ای که نتواند برای مردمش حرف تازه‌ای بیاورد، نمی‌تواند ادعای حکمت کند. شأن و جایگاه نویسنده مهم است؛ به همین خاطر نویسنده واقعی کم داریم. داستان فصل توت‌های سفید داستان تن زدن از ابتدال است. در یک موقعیت و برهه تاریخی بسیار مهم، نویسنده نشست و به آن برهه خیره شده، که به قول جوزف کمبل دروازه تشریف است. این دروازه‌های گذار جاهایی است که نویسندگان می‌توانند دید بیضا کنند، حرف بزنند و تأمل کنند.

بدون تعارف این نکته را عرض می‌کنم، من این کتاب را دو سه سال پیش خواندم و مجدداً چند روز پیش خواندم. حتی یک آن احساس نکردم، یا به خودم نگفتم این جمله چه بود یا این صحنه چه بود. معتقدم کتابی که علیه ابتدال است، نمی‌تواند در تصویر، صحنه و حتی در کلام مبتذل باشد؛ بنابراین با یک متن درخشان مواجه بودم و لذت بردم و درعین حال وقتی با توصیف‌های خوب کتاب مواجه می‌شدم، کتاب را می‌بستم و به خودم می‌گفتم خانم موسوی توصیف نمی‌کند، نگارگری می‌کند. بیش از ۲۰ نکته در جای جای کتاب درباره توصیف یادداشت کردم که ایشان چه طور فضای داستان را به خوبی توصیف کرده است. کار از این حیث‌ها فوق العاده برای من آموزنده بود.



پیشنهادهای خانم داستان نویس

بسیار طبیعی است در میان پیشنهادهای یک داستان نویس، با این همه تنوع و تکرر روبه‌رو باشیم. از متون کهن گرفته تا داستان‌هایی که ساختار شکن هستند و می‌خواهند در مسیر متعارف داستان‌نویسی حرکت نکنند. ترکیب آثار تألیفی و ترجمه‌ای هم در این پیشنهادها، قابل توجه است.

۴

قصه‌های
داستان

داستان نوجوان

گفت‌وگو

گزارش

یادداشت

نقد

۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

سیده عذرا
موسوی

سال‌شمار زندگی

۱۳۶۲

۱۳۶۹

۱۳۷۷

۱۳۷۸

۱۳۸۱

تولد در ۱۸ اسفند
دبستان در مدرسه شهید تولیت
آغاز دوران دبیرستان نمونه دولتی حضرت معصومه (ع)
آشنایی جدی با ادبیات داستانی (تایپستان)
قبولی در دانشگاه بوعلی سینا همدان (پاییز)

شما قبل از این کتاب، مجموعه داستان جشن باغ صدی را هم برای رده سنی بزرگ سال و با مضمون پهلوی اول و دوم نوشته‌اید. این کتاب هم تقریباً چنین مضمونی دارد. چه دغدغه‌ای باعث می‌شود درباره انقلاب بنویسید؟

من خود را برخاسته از بستر این انقلاب می‌دانم. پیش از انقلاب درصدی سواد زنان بیش از ۶۰ درصد و تعداد نویسندگان زن انگشت شمار بود. انقلاب ایران در سال ۵۷ فقط یک انقلاب سیاسی برای تغییر حکومت نبود؛ بلکه یک انقلاب فرهنگی نیز بود. زنان آگاه‌تر و زمینه برای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم‌تر شد. من خود را مدیون این انقلاب می‌دانم. ضمن این‌که به آن علاقه دارم و نمی‌توانم منکر این علاقه‌مندی شوم. نکته دیگر این‌که یکی از علاقه‌مندی‌های من تاریخ است. فرصتی که تاریخ برای تأمل و تعمق فراهم می‌کند، هرگز نمی‌توان نادیده گرفت؛ دریایی از تجربه‌های نازیبسته، ولی آگاه از نتیجه آنها که موجب می‌شود مسیر پیش رو روشن‌تر شود. تاریخ داستان فرازونشیب ملت‌ها و سرشار از دست‌مایه‌هایی ارزشمند برای خلق داستان‌هاست. و نویسنده حکیم کسی است که می‌تواند از دل شکست‌ها و تاریکی‌ها نور امید را بیرون بکشد و با خلق آثاری امیدوارانه، راه را برای یک زندگی سعادت‌مندانه هموار کند.

ایران در بیش از یک قرن گذشته ماجراهای عجیب و پستی و بلندی‌های بسیاری را از سرگذرانده است. دو انقلاب، دو کودتا و یک جنگ هشت ساله اتفاقات کوچک و پیش پا افتاده‌ای نیستند که بشود به سادگی از کنار آن‌ها عبور کرد. ضمن این‌که ایران در این دوره از مصائب جنگ‌های جهانی اول و دوم نیز زخم‌هایی برداشت. مردم ایران از زمان مشروطه تا به امروز

پای صحبت سیده عذرا موسوی به بهانه چاپ داستان
جدیدش؛ فصل توت‌های سفید

علاقه‌مند تاریخ

ومدیون انقلاب اسلامی‌ام

در طول تاریخ، مرد بر زن مسلط بوده و رابطه میان این دو با کشاکش همراه بوده است. مردان به جز برتری‌هایی که از نظر جسمی، مادی، قدرت اقتصادی و اجتماعی،

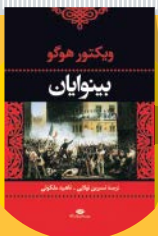
در جامعه داشته‌اند، از موهبت آموزش و تحصیلات نیز برخوردار بوده‌اند و از آنجا که اکثریت باسوادان جامعه را مردان تشکیل می‌دادند، تاریخ و ادبیات نیز به قلم آنان نوشته شده و بدین ترتیب با باورمندی‌های زن‌ستیزانه و مردسالارانه، طبیعی است توانایی‌ها و جایگاه زن را نیز مردان در ادبیات مشخص کنند و در جایی بنشانند که خود می‌خواهند یا بر آن باور دارند. جانسون، منتقد و نویسنده انگلیسی سده هجدهم میلادی می‌گوید: چون فن نوشتن، بیش‌تر هنری مردانه بوده، گناه این‌که چه کسی زندگی را تلخ می‌کند، به گردن زن افتاده است. در نتیجه آن چه مردان درباره زنان نوشته‌اند، اغلب خالی از غرض نیست. این مساله در ادبیات خودمان هم وجود داشته و دارد. اولین بار سیمین دانشور در رمان سووشون تابوشکنی می‌کند و زنی کنش‌گرو قهرمان را در رمانش به وجود می‌آورد. شخصیت زری گرچه در ابتدای داستان شخصیتی محافظه‌کارانه دارد؛ اما رفته‌رفته از پیله تنهایی خود بیرون می‌آید و ما تغییرات او به سمت مطالبه‌گری را مشاهده می‌کنیم. سیده عذرا موسوی از آن دست نویسندگانی است که زنان داستان‌های او، همواره در حال تکاپو و حرکت هستند. به انگیزه چاپ رمان جدیدش با عنوان فصل توت‌های سفید، گفت‌وگویی را با او ترتیب داده‌ایم که در زیر می‌خوانید.

رضا شعبانی

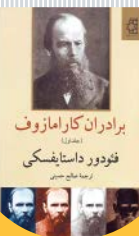
خبرنگار



بینوایان،
ویکتور
هوگو، ترجمه
محمدرضا
پارسایار، هرمس



برادران
کارامازوف،
فئودور
داستایوفسکی،
پرویز شهدی،
نشر مجید



شاهنامه،
تصحیح جلال
خالقی مطلق،
نشر سخن

